

ادامه از صفحه اول

آدرس بودجه‌ای غلط به جامعه

با وجود اینکه این سؤالات، سؤالات مهمی است و باید به آن پاسخ داد، اما باید متوجه بود چاه تمان‌نشدنی بودجه در جای دیگری است. یکی از مصادیق آن صندوق‌های بازنشستگی است. تا وقتی اقسام قوانین وجود دارد که به افراد این امکان را می‌دهد زودهنگام بازنشسته شوند ولی حقوق کامل معادل ۳۰ سال خدمت را دریافت کنند، البته صندوق‌های بازنشستگی همواره با کمبود روبه‌رو می‌شوند و یکی از فشارهای اصلی بازنشستگی منفعت‌هایی را برای تعداد زیادی از افراد این کشور ایجاد کرده و موجب شده تا بخشی از نیروی کار زودهنگام به استراحت در خانه بپردازند و دولت هزینه این کار نکردن را بپردازد. برخی نشریات نمی‌خواهند به این مسئله بپردازند زیرا می‌دانند این امر یعنی درگیرشدن با گروه قابل توجهی از مردم که کم کارکردن اما مطالبه حقوق کامل‌کردن را حق مسلم خود پنداشته‌اند. مسئله کلیدی بودجه، بودجه نهادهای خاص نیست، بلکه افزایش سالانه بودجه حقوق و دستمزد کارکنان بخش دولتی است در حالی که همه می‌دانند بی‌کاری پنهان در دستگاه‌های دولتی زیاد است و بسیاری از کارمندان دولت تمام زمانی که بر سر کار هستند به انجام خدمت مشغول نیستند. همه می‌دانند دولت و دستگاه‌های وابسته نیازمند این همه نیروی شاغل نیستند، اما سخاوتمندانه آنها را استخدام و از اخراج آنها خودداری می‌کنند و هزینه حقوق و دستمزد آنها بر دوش جامعه می‌افتد. مشکل اصلی جامعه اینجاست و این نقطه‌ای است که به‌اشتباه (یا به‌عمد) نادیده گرفته می‌شود ولی بودجه نهادهای خاص برجسته می‌شود. اگر واقعا هدف خود را حل مشکلات اصلی جامعه بدانیم باید از مشکلات بزرگ شروع کنیم و به مشکلات کوچک برسیم. قطعاً نباید مشکلات کوچک را به واسطه کوچک‌بودن نادیده گرفت یا بخشید اما باید اولویت را به مسائل اصلی داد و روی حل آنها اهتمام ورزید. فقط در این صورت است که می‌توان به سمت حل مسائل پیچیده کشور حرکت کرد. چه خوششان بیاید و چه نایب روز به روز محدودیت بودجه در ایران سخت‌تر خواهد شد و بودجه دولت به طور روزافزون مسئله‌ای جدی در افکار عمومی خواهد شد. اما وظیفه داریم افکار عمومی را به سمت درستی سوق دهیم تا بتوان گفت‌وگویی ملی درباره ریشه مشکلات و چگونگی حل آنها سامان داد و حول راه‌حل‌ها به اجماع رسید.

راه‌ناگزیر توانمندسازی

... توجه می‌کنند و سهم آموزش‌های مهارتی در این کشورها ازجمله آلمان و استرالیا ... گاه تا ۷۰ درصد کل آموزش‌ها را می‌رسد. این در حالی است که سهم آموزش‌های مهارتی در کشورمان بین ۱۰ و کمتر از ۲۰ درصد است و برای رسیدن به حداقل ۳۰درصدی از آموزش‌های مهارتی، باید همه سازمان‌ها به‌ویژه سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور رویکرد مهارت‌محوری را در آموزش‌های غیررسمی داشته باشند.

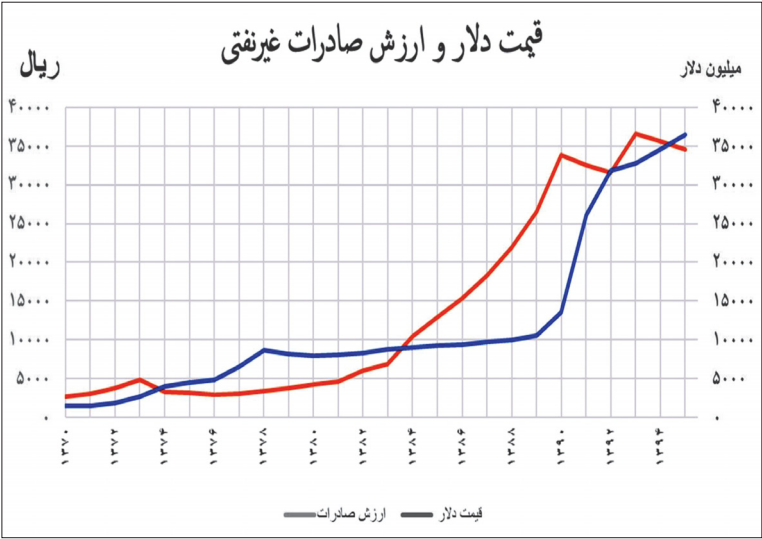
۵- سازمان فنی‌وحرفه‌ای کشور چندسالی است به دلیل عدم تأمین اعتبار، تجهیز مراکز فنی‌وحرفه‌ای - که اغلب از تکنولوژی و تجهیزات روز عقب مانده- را به آینده موکول کرده و از قافله عقب مانده است. این سازمان برای هدف‌گذاری و اجرای آموزش‌های مناسب با اقتضات منطقه‌ای نیازمند توجه به تجهیزات آموزشی است. اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سازمان در هفت سال گذشته بیش از ۳۰ درصد کاهش یافته و سازمان عملاً امکان به‌روزرسانی تجهیزات خود را از دست داده است. این کاهش بودجه با ماهیت آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای که آموزش عملی است و در آن مهارت‌آموز با تمرین و تکرار، کار با مواد، ابزار و تجهیزات، تسلط و مهارت لازم را کسب می‌کند؛ در تضاد است و ادامه این روند می‌تواند فرصت ارزشمند آموزش کارچویان جوان را از کشور سلب کند. ۶- بودجه سازمان فنی‌وحرفه‌ای که به‌براساس آمار، رشد بیش از ۴ درصدی را نشان می‌دهد، ولی نباید فراموش کرد که سهم نظام آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی که می‌تواند زیرساخت‌های لازم برای اشتغال را فراهم و مشکل اساسی و دغدغه‌های مسئولان نظام و مردم را حل کند، اندک است. ۷- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حال حاضر مباحثی همچون توسعه مشاغل خانگی، الگوی اشتغال فراگیر و کارورزی را در سطوح مختلف از فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان گرفته تا زنان سرپرست خانوار دنبال می‌کند. این برنامه‌ها بدون مهارت‌آموزی و بدون توجه به آموزش‌های با کیفیت مهارتی و فنی‌وحرفه‌ای راه به جایی نخواهد برد. به نظر می‌رسد موفقیت‌های دولت در حیطه اشتغال در گرو توجه بیش‌ازپیش به آموزش‌های غیررسمی مهارتی است. ۸- سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور، با توجه به سابقه طولانی در حوزه مهارت‌آموزی، امکانات زیربنایی و توجه ویژه‌اش به تدوین و اجرای استانداردهای مهارت‌آموزی در قریب به ۱۴ هزار رشته مختلف، می‌تواند در اجرای دستور صریح ریاست محترم جمهور مبنی بر استانداردشدن آموزش مشاغل، نقش محوری ایفا کند و به عنوان دبیرخانه شورای عالی هماهنگی مهارت‌آموزی، انسجام بیشتری بین دستگاه‌های مختلف فراهم آورد.

اقتصاد

سیاست‌های قیمتی سال آینده بررسی شد

زمینه‌سازی برای تضعیف بیشتر پول ملی

سیدغلامحسین حسنتاشی . کارشناس ارشد انرژی



باشد و فراوانی این دلارها باعث افزایش نسبی در سرمایه‌گذاری دولتی و خصولتی شده باشد؛ اما غرض این است کسانی که رونق تولید و صادرات را صرفاً مستلزم افزایش نرخ ارز می‌دانند، توجه کنند تنها با تکرار نمی‌توان چیزی را جا انداخت و نیز بدانند که اگر صرفاً قائل به تحلیل‌های عددی هستند، اعداد و ارقام نیز چیز دیگری می‌گویند. مسلم است که عده‌ای از افزایش نرخ ارز سود می‌برند و به‌ویژه در شرایطی که دیگر بازارها و ازجمله املاک و مستغلات رونق ندارد و نرخ سپرده‌های بانکی نیز کاهش یافته است، ممکن است پول‌هایی تبدیل به دلار شده باشد و افزایش نرخ دلار رانت جدید بزرگی را برای عده‌ای به وجود بیاورد و مسلم است که برخی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان نیز از بالا رفتن نرخ ارز سود می‌کنند و می‌توانند بهره‌وری پایین خود را جبران کنند؛ اما اینکه قضاوت کلی کنیم که رونق تولید و توان رقابت تولیدکنندگان در فضای بین‌المللی مستلزم افزایش قیمت ارز است، نیازمند مطالعات جامعی است که اگر ارائه نشود، شبهاتی را درباره نیات آنان پدید می‌آورد. به‌راستی تولید ملی از بی‌ثباتی نهاده‌نشده بیشتر لطمه خورده است یا نرخ ارز پایین؟ به‌راستی نرخ ارز پایین است، یا رانت‌جویان آن را پایین جلوه می‌دهند؟ آیا این ادعاها میراث سیاست‌های شکست‌خورده تعدیل ساختاری نیست؟ آیا نظر همه تولیدکنندگان گرفته شده است، یا این نظر نمایندگان خودخوانده نهائست؟ اینها پرسش‌هایی است که باید پاسخ داده شود. تجربه نشان داده است که اقتصاد بی‌ثبات و پرنوسان، بهشت سفته‌بازان و رانت‌خواران است و کارآفرینان و سرمایه‌گذارانی که دنبال تولید واقعی هستند، همیشه از نوسانات در قیمت‌های کلیدی اقتصاد شکوه دارند.

دائماً تحیف‌تر شده است. خوب است این دوستان محترم، گزارشی تهیه کرده و ارائه دهند که در دوران‌هایی مثل ۹۱ تا ۹۳ که دلار جهشی درخور دور یا چرخه این است که ما پول ملی را تضعیف می‌کنیم و با گران‌شدن دلار، قیمت ریالی حامل‌های

انرژی (و البته قیمت خیلی کالاهای دیگر) باز با ارزش ریالی قیمت فوب خلیج‌فارس آن (در نرخ جدید دلار)، فاصله پیدا می‌کند و بعد دوباره قیمت حامل‌های انرژی و بعضی کالاهای دیگر را افزایش می‌دهیم (که با فوب خلیج‌فارس تطبیق دهیم) و باز بر اثر این افزایش و آثار مستقیم و غیرمستقیم آن، گرفتار افزایش سطح عمومی قیمت‌ها یا همان تورم می‌شویم و دوباره بعد از مدتی می‌گوییم دلار در سطح جدید قیمت‌ها ارزان شده است و دوباره دلار را گران می‌کنیم؛ یعنی دوباره پول ملی را تضعیف می‌کنیم و دوباره همان چرخه از نو آغاز می‌شود. در این چرخه پارامترهای مهم و اصلی اقتصادمان دائماً نوسان پیدا می‌کند و موجب بی‌ثباتی اقتصاد می‌شود

و بی‌ثباتی اقتصادی، بزرگ‌ترین آفت سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی و اشتغال است». نکته‌ای که اینجا باید اضافه کنم، این است که هرچند مدت یک بار هم در دولت‌های مختلف، با بالا رفتن نرخ دلار ازرهایی را که قبلاً به بانک مرکزی فروخته‌اند، با نرخ جدید تعدیل می‌کنند و از بانک مرکزی مابه‌التفاوت آن را می‌گیرند که به معنای انتشار پول پرقدرت و افزایش نقدینگی است و محصولش تورم بیشتر است و باز مطرح می‌شود که نرخ ارز باید به اندازه مابه‌التفاوت تورم داخلی و تورم خارجی تعدیل شود و باز هم همان دور باطل و چرخه مخرب.

چنانچه اشاره شد، این نتیجه‌گیری‌ها قدری ساده‌اندیشانه است؛ چراکه به‌ویژه در اقتصادی که دولت بزرگ‌ترین بنگاهدار است، ولی بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های بنگاه‌های دولتی بر مبنای عقلانیت دقیق اقتصادی و مطالعات دقیق هزینه و فایده نیست و در شرایطی که عوامل متعددی بر فعالیت‌های تولیدی تأثیر می‌گذارد، ساختار اقتصاد کشور صندوق‌دو و فضای کسب‌وکار نامطلوب است، نمی‌توان به‌سادگی چنین نتیجه‌گیری‌هایی را انجام داد. ضمن اینکه در دوره‌هایی ممکن است ثبات نرخ ارز به دلیل فراوانی دلارهای نفتی بوده

کشور حاکم شده است، اقتصاد کشور را در دور باطلی قرار داده است که اگر در کادر آن دور باطل صحبت کنیم، شاید افزایش قیمت اجتناب ناپذیر باشد. آن دور یا چرخه این است که ما پول ملی را تضعیف می‌کنیم و با گران‌شدن دلار، قیمت ریالی حامل‌های انرژی و بعضی کالاهای دیگر را افزایش می‌دهیم (که با فوب خلیج‌فارس تطبیق دهیم) و باز بر اثر این افزایش و آثار مستقیم و غیرمستقیم آن، گرفتار افزایش سطح عمومی قیمت‌ها یا همان تورم می‌شویم و دوباره بعد از مدتی می‌گوییم دلار در سطح جدید قیمت‌ها ارزان شده است و دوباره دلار را گران می‌کنیم؛ یعنی دوباره پول ملی را تضعیف می‌کنیم و دوباره همان چرخه از نو آغاز می‌شود. در این چرخه پارامترهای مهم و اصلی اقتصادمان دائماً نوسان پیدا می‌کند و موجب بی‌ثباتی اقتصاد می‌شود و بی‌ثباتی اقتصادی، بزرگ‌ترین آفت سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی و اشتغال است». نکته‌ای که اینجا باید اضافه کنم، این است که هرچند مدت یک بار هم در دولت‌های مختلف، با بالا رفتن نرخ دلار ازرهایی را که قبلاً به بانک مرکزی فروخته‌اند، با نرخ جدید تعدیل می‌کنند و از بانک مرکزی مابه‌التفاوت آن را می‌گیرند که به معنای انتشار پول پرقدرت و افزایش نقدینگی است و محصولش تورم بیشتر است و باز مطرح می‌شود که نرخ ارز باید به اندازه مابه‌التفاوت تورم داخلی و تورم خارجی تعدیل شود و باز هم همان دور باطل و چرخه مخرب.

بنابراین تولید ملی در چرخه مخرب بی‌ثباتی اقتصادی بیشترین صدمه را دیده است و پیکرش

اقدامات نئوکلاسیک‌های وطنی برای تضعیف بیشتر ارزش پول ملی آغاز شده است. یکی از رسانه‌ها چندی پیش نوشت قیمت دلار خیلی پایین است و بهانه و مستمسک برای توصیه به کاهش ارزش پول ملی نیز مثل همیشه حمایت از تولید داخلی و صادرات است. بانک جهانی رقم GDP (تولید ناخالص داخلی) ایران در سال ۲۰۱۶ را بر اساس برابری قدرت خرید، ۶۰۵ میلیارد دلار و بر اساس محاسبه معمولی، ۴۲۰ میلیارد دلار اعلام کرده است؛ معنایش این است که نرخ ارز باید بر اساس برابری قدرت خرید، کمتر از هزار تومان باشد؛ یعنی قدرت خرید هزار تومان در ایران، حدوداً برابر با قدرت خرید یک دلار در آمریکاست. به عبارت دیگر، اگر همان محاسبه GDP به روش معمولی را که به ریال حساب می‌شود و در نهایت تقسیم بر نرخ رسمی تبدیل ریال به دلار می‌شود، به‌جای نرخ رسمی، تقسیم بر عددی کمتر از هزار کنیم، نزدیک به همان عدد هزارو ۶۰۵ میلیارد دلار به دست می‌آید.

من نمی‌گویم نرخ ارز باید بر این اساس تنظیم شود؛ اما این هم یک نگاه است و با این نگاه دلار خیلی گران است؛ اما تفکر اقتصاد نئوکلاسیک دائماً دنبال کاهش ارزش پول ملی است و هیچ توجهی به آثار تورمی آن و قدرت خرید مردم و مسائل دیگر ندارد و بهانه‌اش هم قدرت رقابت تولید داخلی است. چرا می‌گویم بهانه، چون تولید داخلی ده‌ها مشکل دارد که این تفکر هیچ توجهی به آن ندارد. تضعیف مکرر پول ملی کشور را در چرخه مصیبتی انداخته است که آن را در مصاحبه‌ای درباره افزایش قیمت حامل‌های انرژی، توضیح داده‌ام و اینجا تکرار می‌کنم: «تفکری که بیش از نیم قرن است بر اقتصاد

شرق: در شرایطی که بحث افزایش قیمت سوخت در روزهای گذشته

با گمانه‌زنی‌های مختلف مقامات دولتی و مجلسیان و البته انتقادات شدید برخی از کارشناسان و مردم در صفحات مجازی پیگیری می‌شد، خبری کوتاه که روز گذشته روی خروجی خبرگزاری فارس قرار گرفت، زمین بازی قیمت حامل‌های انرژی را دست‌خوش تغییراتی جدی کرد. بنا بر این گزارش، هدایت‌الله خادمی، نایب‌رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، از حذف مفاد مربوط به افزایش قیمت حامل‌های انرژی در لایحه بودجه ۹۷ با رأی اعضای این کمیسیون خبر داد. بر این اساس، اعضای کمیسیون انرژی مجلس در نشست غیر روز گذشته خود، به حذف تبصره ۱۸ این لایحه که افزایش بهای حامل‌های انرژی را پیشنهاد داده بود، رأی دادند. در بند الف تبصره ۱۸ ماده واحده لایحه بودجه، به دولت اجازه داده می‌شد با هدف اجرای برنامه اشتغال گسترده و مولد با تأکید بر اشتغال جوانان، دانش‌آموختگان دانشگاهی، زنان و اشتغال حمایتی، صددرصد منابع حاصله از مابه‌التفاوت حامل‌های انرژی در سال ۱۳۹۷ نسبت به قیمت این حامل‌ها در ابتدای سال ۱۳۹۶ اعم از عوارض و مالیات موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده و همچنین سهم شرکت ملی نفت ایران موضوع بند (الف) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت را به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و منابع حاصله را تا سقف ۱۷ هزار میلیارد تومان به شکل وجوه اداره‌شده و یارانه سود و ترکیب با منابع صندوق توسعه ملی و تسهیلات بانکی در راستای حمایت از طرح‌های تولید، اشتغال و کمک به کارورزی جوانان دانش‌آموخته دانشگاهی پرداخت

توپ گرانی سوخت در زمین دولت

کنند. اگرچه این خبر به اشتباه در برخی از رسانه‌ها با تیرهایی مانند «عدم گرانی بنزین» یا «بنزین گران نخواهد شد» منتشر شد؛ اما حقیقت این است که مجلس نه با افزایش قیمت حامل‌های انرژی بلکه با شیوه استفاده از منابع آن مخالف کرده است و از طرف دیگر، همین امروز هم دولت می‌تواند به پشتوانه قوانینی که پیش از این مجلس شورای اسلامی تصویب کرده است، تا پیش از پایان سال، اقدام به افزایش قیمت حامل‌های انرژی کند؛ نکته‌ای که البته از نگاه بسیاری از رسانه‌ها مغفول مانده و به اشتباه به لایحه بودجه دولت برای سال آینده منتسب می‌شود.

به عبارت دیگر، همه خبرهایی که درباره افزایش قیمت حامل‌های سوخت در هفته‌های گذشته منتشر شده و نوید افزایش قیمت بنزین و گازوئیل در ماه ابتدایی زمستان سال جاری را می‌دهند، هیچ ارتباطی به لایحه بودجه سال آینده ندارند و حذف مواد مرتبط با درآمد حاصل از افزایش قیمت حامل‌ها از سوی کمیسیون انرژی مجلس، تصمیمی بر عزم دولت برای افزایش قیمت سوخت ندارد و آن تصمیم دولت به نظر همچنان پابرجاست. حذف این بند از تبصره ۱۸ ماده واحده لایحه بودجه می‌تواند به معنی تلاش مجلس برای نقش‌آفرینی بیشتر در تعیین شیوه تخصیص درآمدهای دولت در بخش‌های مختلف و همچنین دورشدن از طمان اتهام همدستی در افزایش قیمت سوخت نزد افکار عمومی باشد. نکته‌ای ظرفی که به نظر می‌رسد مخالفان دولت به خوبی از آن استفاده می‌کنند تا در نگاه بخشی از جامعه، دولت به‌عنوان یگانه عنصر تلاشگر برای افزایش قیمت سوخت معرفی شود و نظرات موافق نمایندگان درباره افزایش قیمت‌ها (که

خداحافظی عمرانی

این کاهش عملاً تفسیر خاصی ندارد؛ غیر از اینکه دولت خواسته دقت بودجه خود را افزایش دهد. دقیق‌بودن بودجه یعنی فاصله کمتر عملکرد از مصوب، یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی کیفیت فرایند بودجه‌ریزی است. انتقادی که سالیان گذشته به دولت‌ها وارد بود، این بود که چرا رقم بودجه عمرانی را با وجود احتمال قریب‌به‌یقین عدم تحقق، دست بالا می‌گیرند. در بودجه اسمال، رقم عمرانی کاهش یافته که می‌تواند نشان‌دهنده افزایش بیشتر دقت بودجه دولت در این زمینه باشد. اگرچه احتمالاً همین رقم نیز کاملاً محقق نخواهد شد. اعداد و ارقام تحقق بودجه‌های عمرانی در

یادداشت

تاکید بر نگاه خدمت همرا با استراتژی صحیح سرمایه‌گذاری

دکتر مهدی آزادوری
کارشناس ارشد بازار مالی

● یکی از مهم‌ترین اهداف صندوق‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بازنشستگی یا کارکنان هر سازمان و بنگاه اقتصادی در کشور، ایجاد ثروت‌سازی واقعی و افزایش بازده حاصل از سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده برای اعضای خود است. دستیابی به این هدف فقط با در اختیار داشتن تیم تخصصی آگاه به مسائل سرمایه‌گذاری، مالی و اقتصادی برای تصمیم‌گیری و تشخیص ریسک و بازده فعالیت‌ها حاصل خواهد شد. در بسیاری از کشورها، تعهد ضمنی برای تأمین حقوق بازنشستگی، مهم‌ترین تعهد شناسایی‌نشده در حساب‌های عمومی‌شان به شمار می‌رود. استانداردها حاکی از عملکرد ضعیف بسیاری از صندوق‌هاست؛ زیرا تصمیمات تحمیل‌شده از طرف مقامات نهادهای تشکیل‌دهنده آنها بر سر تخصیص منابع، با هم در تضاد است. طرفداران مدیریت متمرکز صندوق (به‌عنوان مخالفان مدیریت رقابتی و غیرمتمرکز) اعتقاد دارند که طرح‌های جدید راهبری و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری می‌توانند به‌عنوان سیری برای محافظ از صندوق‌های بازنشستگی، به‌ویژه دولتی در مقابل مداخلات سیاسی آزاردهنده، عمل کنند. در این راستا، حتی در غیاب سیستم نظارتی مستقل و رقابتی نیز می‌توان به مباشران سرمایه‌گذاری در اتخاذ تصمیمات احتیاطی اعتماد کرد. در این راستا، نهادهای این‌چنینی به عنوان بنگاه‌های اقتصادی شهر تهران در شرایط کنونی نیازمند تحولی جدی در نحوه خدمت‌رسانی به اعضا و ثروت‌سازی برای آنان است. این بدان معناست که برای مثال نسبت دریافت کسورات به پرداخت حقوق در یکی از آن نهاده‌ا باید هفت به یک باشد، درحالی‌که این شاخصه مهم درحال‌حاضر دو به یک است. این امر نشان‌دهنده از رعایت‌نکردن اصول اقتصادی و سرمایه‌گذاری در آن مجموعه است، بنابراین رعایت نسبت یادشده فوق با درنظرگرفتن شاخص امید به زندگی باید تناسب خاصی داشته باشد. برای حصول به هدفی مناسب در این‌گونه مجموعه‌های سرمایه‌گذاری باید به درآمدهای مستمر تأکید ویژه‌ای داشته باشیم نه صرفاً چشم امید به کسورات از شاغلان، کمک از شهرداری و درآمد از شهرداری؛ با این تفاسیر، ضرورت نگاه ویژه به پس انداز کارکنان و بازنشستگان که این‌گونه نهادهای مالی را امین خود در حوزه سرمایه‌گذاری دانسته‌اند، اهمیت بالایی دارد، زیرا با تقویت اعتماد اعضا به این‌گونه نهادهای مالی می‌توان مشارکت در طرح‌های سرمایه‌گذاری منطقه‌ای و ملی و در نهایت ثروت‌سازی برای آنان را فراهم کرد. در نهایت امید می‌رود، متولیان امر با درنظرداشتن نگاه جدی در حوزه خدمت و همچنین به‌کارگیری نیروهای متخصص در بنگاه‌های مربوطه، از آزمون و خطایی که ضرر و زیان آن متوجه جمعی از افرادی است که بنگاه اقتصادی خود را امین خود دانسته‌اند، اقدامی شایسته و با نتیجه مطلوب از خود به یادگار بگذارند.

خبر

«ریبعی» استیضاح می‌شود

● عضو کمیسیون اجتماعی از ارجاع طرح استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به صحن علنی مجلس خبر داد. محمد وحدتی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به جلسه عصر سه‌شنبه کمیسیون متبوعش، گفت: در این جلسه طرح استیضاح علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بررسی شد. او با بیان اینکه در این جلسه سؤال حسین مقصودی، نماینده مردم سبزوار، به نمایندگی از طراحان استیضاح وزیر کار درباره اشتغال، بی‌کاری جوانان و نحوه مدیریت شستا سؤالاتی را از علی ربیعی مطرح کرد، افزود، ربیعی توضیحاتی را درباره محور سؤالات مطرح‌شده ارائه داد که نمایندگان از توضیحات وزیر قانع نشدن.

تورم دورقمی شد

● براساس محاسبه بانک مرکزی، نرخ تورم در ۱۲ ماه منتهی به آذرماه ۱۳۹۶ نسبت به ۱۲ ماه منتهی به آذرماه ۱۳۹۵ معادل ۱۰ درصد است. به گزارش روابطعمومی بانک مرکزی، خلاصه نتایج به‌دست‌آمده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران براساس سال پایه ۱۰=۱۳۹۵ به شرح ذیل است: شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در آذرماه ۱۳۹۶ به عدد ۱۱۱٫۹ رسید که نسبت به ماه قبل ۱٫۹ درصد افزایش یافت. نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به آذرماه ۱۳۹۶ نسبت به دوازده ماه منتهی به آذرماه ۱۳۹۵ معادل ۱۰ درصد است. شاخص مذکور در آذرماه ۱۳۹۶ نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۱۰ درصد افزایش داشته است. این رقم نسبت به ماه قبل ۰٫۲ درصد رشد و تورم نقطه‌به‌نقطه ۱٫۳ درصد کاهش یافته است.